

چگونه دولت اشغالگر «شهرودان فلسطین» را به «عرب‌های اسرائیل» تغییر داد؟

انتفاضه جدید در راه است

ایلیا داوودی
روزنامه نگار

به‌دنبال حملات خشونت‌بار و چند باره اسرائیل، خشم شهروندان فلسطینی از دهه‌ها ظلم و ستم اسرائیل به آنها برانگیخته شده است. تظاهرات فلسطینیان هم هربار که انجام می‌شود با واکنش‌های وحشیانه روبه‌رو است؛ ترکیبی از خشونت پلیس رسمی اسرائیل و خشونت باندهای راست افراطی یهودی. هرچه فلسطینی‌ها بیشتر به تبعیض ساختاری که با آن مواجه هستند، اعتراض کنند، خشونت راست افراطی یهودی بیشتر شعله‌ور می‌شود. سیاستمداران صهیونیستی بارها همگان را از «قتل عام یهودیان» توسط اعراب ترسانده‌اند اما با افزایش نفوذ جناح راست افراطی آشکارا فاشیست (که بسیاری از آنها شهرکنشینان مسلح هستند و برخی هم به‌طور مستقیم با واحدهای نظامی ارتباط دارند) خطر بسیار بیشتر شده است. رسانه‌های اجتماعی مملو از کلیپ‌های یورش پلیس به مراکز تجمع و اعتراض فلسطینی‌ها است؛ پلیس همواره به شیوه‌ای آشنا نسبت به این تجمعات واکنش نشان می‌دهد؛ تارنک‌های شوکر را به سمت جمعیت شلیک کرده و آنها را با گاز اشک‌آور خفه می‌کند و تعداد زیادی هم بازداشت می‌شوند. برخی از خشونت‌آمیزترین درگیری‌ها در جاهایی مانند شهرهای لود (لید)، رامل، یافا، حیفا و عکا رخ داده که اسرائیل آنها را به‌طور گمراه‌کننده‌ای «شهرهای مختلط» توصیف می‌کند. اسرائیل همواره سعی داشته این مناطق را به عنوان نمونه‌هایی از همزیستی یهودیان و اعراب معرفی کند تا از این رهگذر بر جعلی بودن ماهیت خود سربوش بگذارد. اما واقعیت بسیار متفاوت است. در هر یک از این شهرها، شهروندان فلسطینی در حاشیه یک شهر فلسطینی سابق زندگی می‌کنند که با تأسیس نامشروع اسرائیل در



سال ۱۹۴۸ هدف پاکسازی قومی قرار گرفت و از آن زمان تاکنون بشدت (یهودی‌سازی» شده است. ساکنان فلسطینی این شهرها مجبورند هر روز با نژادپرستی بسیاری از همسایگان یهودی خود دست و پنجه نرم کنند و در قوانینی که برای بیرون راندن آنها و کمک به یهودیان (که اغلب اعضای جنبش شهرکنشینان یا دانشجویان مذهبی افراطی هستند) برنامه‌ریزی شده با تبعیض سازمانی آشکار مواجه می‌شوند. آنها بشدت تحت نظارت پلیس قرار دارند تا از حقوق ساکنان یهودی با هزینه خود محافظت کنند.

تاریخ از بین رفتنی نیست

سال هاست که کینه و خشم به‌طور پیوسته در حال افزایش است و اکنون به نظر می‌رسد به نقطه اوج رسیده است. از آنجا که «شهرهای مختلط» از معدود مکان‌هایی در

اسرائیل هستند که شهروندان یهودی و فلسطینی در مجاورت نسبتاً نزدیکی در آنها زندگی می‌کنند، اکثر مکان‌های دیگر بشدت توسط اسرائیل جدا شده‌اند و به همین خاطر پتانسیل خشونت اجتماعی در مناطق مورد بحث است. این توضیحات به نوعی ریشه‌یابی مقوله‌ای است که برخی آن را یک انتفاضه جدید بالقوه یا قیام فلسطینی می‌دانند؛ انتفاضه‌ای که اسرائیل سعی دارد آن را سرکوب کند. هرچه فلسطینیان بیشتر به تبعیض ساختاری که با آن مواجه است اعتراض کنند، خطر شعله‌ور شدن احساسات راست افراطی یهودی نیز بیشتر خواهد شد. نیروهای اسرائیلی که برخی تحلیلگران آنها را فاشیست‌های یهودی می‌خوانند، پس از به دست آوردن شش کرسی پارلمانی احزاب آنها در انتخابات ماه مارس اسرائیل به این سرکوب‌ها

شدت بخشیده‌اند. سال‌هاست که شهرکنشینان تلاش می‌کنند خانواده‌های فلسطینی باقیمانده را از «شهرهای مختلط»، بویژه آنهایی که در مرکز کشور، در کنار تل آویو قرار دارند، بیرون برانند. آنها برای راه‌اندازی مدارس علمی افراطی در میان محله‌های فلسطینی کمک دولتی دریافت کرده‌اند. اکنون تحت پوشش مقابله با اعتراضات، جناح راست افراطی این شاست را دارد که سرکوب‌های خود را افزایش دهد. پیش‌تر رئیس پلیس رژیم صهیونیستی «ایتامار بن گویر» به دروغ ادعا کرده بود که پلیس از سرخورد قاطعانه با اعتراضات منع شده است. اما شگفت‌آورتر آن است که در عین حال از شهروندان دارای سلاح خواسته شده تا سرخود و ذیل اجازه کلی قانونی که به فعالیت آنها داده شده، به خنثی کردن آنچه خود

«تهدیدها و خطرها» نام گذاشته‌اند، بپردازند. با توجه به اینکه بسیاری از اعضای راست افراطی یهودی مجوز حمل سلاح گرم دارند، واقعیت این است که شهروندان فلسطینی راه‌های زیادی برای محافظت مؤثر از خود ندارند. نتانیاهو تعهدی واقعی برای آرام کردن اوضاع نداده و دیگر مقامات اسرائیلی نیز شعله‌های آتش را بفرورخته‌اند؛ رئیس جمهور روین ریولین هم که برخلاف نتانیاهو، سعی دارد در ظاهر خود را یک شخصیت متحدکننده معرفی کند، شهروندان فلسطینی را اوباش عرب تشنه به خون می‌خواند. برای دهه‌ها، اسرائیل سعی کرده است این تصویر رسانه‌ای شهروندان فلسطینی به «عرب‌های اسرائیلی» تغییر نام داده‌اند و در آنچه خود «اتنها دموکراسی در خاورمیانه» می‌خوانند، با یهودیان

کاملاً برابر هستند. رژیم صهیونیستی سعی دارد تاریخ این جمعیت فلسطینی را از طریق تبعیض‌های سیستماتیک که آنها در یک کشور خودخوانده یهودی با آن مواجه هستند، پنهان کند؛ اما فوران خشم فلسطینیان مانع سربوش گذاشتن بر این موضوع است.

■ **سرکوب قانونی در دموکراسی یهودی**
از اواخر دهه ۱۹۶۰، فلسطینی‌ها همواره به دلایل مختلف تظاهرات کرده‌اند، اما تظاهرات خیابانی گسترده و سراسری تنها یک بار در هر نسل رخ داده است؛ چون آنها همیشه به طرز وحشیانه‌ای توسط نیروهای اسرائیلی سرکوب می‌شوند. نقطه آغاز قیام جدید را می‌توان همان اتفاقی دانست که در دهه ۱۹۷۰ در روز زمین رخ داد؛ زمانی که جوامع فلسطینی اولین اعتصاب عمومی یک روزه خود را در اعتراض به سرقت گسترده دولت از زمین‌های کشاورزی تاریخی خود به راه انداختند تا جوامع فقط یهودی در آنها ایجاد شود. مقامات اسرائیلی، از جمله اسحاق رابین، نخست‌وزیر وقت، از این حمله چنان خشمگین شدند که تاک‌های خود را فرستادند؛ در نتیجه شش شهروند فلسطینی کشته شدند. اعتراضات در اکتبر ۲۰۰۰ در آغاز انتفاضه دوم را نیز باید در راستای این موضوع تفسیر کرد. در این اعتراضات طی چند روز، ۱۳ تظاهرکننده به ضرب گلوله کشته و صدها نفر دیگر بشدت مجروح شدند؛ زیرا پلیس اسرائیل از گلوله‌های جنگی استفاده کرد. تحقیقات قضایی بعدی کمیسوین مربوطه به این نتیجه رسید که پلیس همواره به فلسطینی‌های این مناطق به عنوان «دشمن» می‌نگرد. نسل جدید مترض اعتراضات ۲۰۰۰ در عمدتاً در قالب داستان از والدین خود شنیده‌اند و درک مستقیمی با رویداد نداشته‌اند؛ اما با وقایع اخیر آنها از نزدیک متوجه می‌شوند که در دو دهه اخیر پلیس اسرائیل تا چه اندازه نژادپرست و متفاوت از تصویر مثبت

کاملاً برابر هستند. رژیم صهیونیستی سعی دارد تاریخ این جمعیت فلسطینی را از طریق تبعیض‌های سیستماتیک که آنها در یک کشور خودخوانده یهودی با آن مواجه هستند، پنهان کند؛ اما فوران خشم فلسطینیان مانع سربوش گذاشتن بر این موضوع است.

برساخته‌ای است که همواره سعی داشته از خود بسازد. اسرائیل همواره فلسطینیان را ستون پنجم می‌بیند و به همین خاطر آنها هیچ امیدی به بیرون آمدن از زیر سایه الگوی امنیتی اسرائیل ندارند. از یک‌سو، غیرنظامیان مسلح و از سوی دیگر، سرکوب فوری شهروندان فلسطینی که مخالفت سیاسی خود را نشان می‌دهند، باعث می‌شود تا الگویی آشنا برای این دست تعارض‌ها و تنش‌ها در نظر بگیریم؛ بسیاری از عواملی که فلسطینیان را در سال ۲۰۰۰ به خیابان‌ها آورد، هنوز از بین نرفته‌اند. پلیس همچنان نسبت به معترضان سیاسی، خشن و سرکوبگر است و تخریب خانه‌ها و سیاست‌های برنامه‌ریزی نژادپرستانه هنوز به این معنی است که جوامع فلسطینی در حقیقت اسرائیل به سر می‌برند. روی کار بودن سیاستمداران یهودی هنوز یک امر معمول است و رهبران فلسطینی در اسرائیل همچنان از دولت و نهادهای اصلی محروم هستند.

در سال‌های اخیر، اوضاع حتی بدتر شده است. تصویب قانون «دولت-ملت یهود» در سال ۲۰۱۸ به این معنی است که وضعیت حقوقی فلسطینیان تحت سرکوب به طور رسمی و ساختاری هم بدتر شده است. براساس این قانون که بلافاصله بعد از هفتادمین سالگرد تشکیل کشور اسرائیل به تصویب رسید، زبان عربی

رئیس جمهور روین ریولین هم که بر خلاف نتانیاهو، سعی دارد در ظاهر خود را یک شخصیت متحد کننده معرفی کند، شهروندان فلسطینی را اوباش عرب تشنه به خون می‌خواند. برای دهه‌ها، اسرائیل سعی کرده است این تصویر رسانه‌ای را برای مخاطبان غربی بسازد که شهروندان فلسطینی به «عرب‌های اسرائیلی» تغییر نام داده‌اند و در آنچه خود «اتنها دموکراسی در خاورمیانه» می‌خوانند، با یهودیان کاملاً برابر هستند

دیگر زبان رسمی اسرائیل نخواهد بود و برای تعیین حق سرنوشته یهودیان لازم است زبان عربی تنزل داده شود. براساس قوانین، شهروندان عرب باید از حقوق یکسانی با دیگر شهروندان یهودی برخوردار باشند، اما بسیاری از آنها معتقدند که در زندگی روزمره شاهد برخورد‌های تبعیض‌آمیز هستند و شهروند درجه دو محسوب می‌شوند. این قانون صراحتاً شهروندان فلسطینی را به طبقه فرودست دائمی تنزل داده است؛ به طوری که آنها دیگر نه شهروندان واقعی بلکه کارگرانی میهمان هستند که ناخواسته در یک کشور یهودی حضور دارند. نتانیاهو درباره تصویب این قانون گفته بود: «ما حقوق مدنی را در دموکراسی اسرائیل تضمین خواهیم کرد. اما اکثریت هم حقوقی دارد و اکثریت تصمیم می‌گیرد. اکثریت مطلق می‌خواهد ویژگی یهودی دولت ما را برای نسل‌های آینده تضمین کند.» فلسطینیان بن‌بست سیاسی و دیپلماتیک را پیش روی خود می‌بینند و تحت فشار سایه پارادایم امنیتی اسرائیل روی خود هستند؛ پارادایمی که به راحتی آنها را به عنوان ستون پنجم یا کسب‌ثروای فلسطینی در داخل یک کشور یهودی می‌بیند. این همان پارادایمی است که در حال حاضر علیه‌شان جریان دارد و خشونت پلیس و شهرک نشینان را در مناطق مختلف توجیه می‌کند.

انفعال برجسته غرب و ایالات متحده در مناقشه روسیه و اوکراین

امریکا توانایی مذاکره ندارد چه برسد به رهبری جهان!

یاسین عبادی
پژوهشگر

یکی از همایش‌های عمومی سالانه که در منطقه خاورمیانه صورت می‌گیرد، همایش و با دوره‌می دوحه است (گردهمایی سالانه که به محرک‌ها و تکان‌هایی خاورمیانه و نظام بین‌الملل اختصاص دارد و معمولاً در کنار پژوهشگران و تحلیلگران، سیاستمداران هم حضور دارند) در این همایش چالشی جدی بین مولود چاووش اوغلو (وزیر امور خارجه ترکیه) و یک خبرنگار CNBC بود. هدی گمبل گزارشگر CNBC، وزیر امور خارجه را با یک سری سؤالات در مورد تعهد ترکیه به ناتو، خرید سامانه‌های دفاع موشکی اس-۴۰۰ انتتاع این کشور از تحریم روسیه، استقبال از الیگارشی‌های مرتبط با کرملین و اینکه چگونه می‌توان ترکیه را جدی گرفت، به چالش کشید. اینکه ترکیه چطور با وجود متحد ناتو هنوز روابط خود را با روسیه برقرار کرده است و با تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه روسیه همواره نشده است. البته این امر در اروپا فقط شامل ترکیه نمی‌شود بلکه برخی از کشورهای اروپایی هم ضمن اینکه حمله روسیه را محکوم کردند، اما روابط خود را با روسیه ادامه می‌دهند.

حافظان صلح، نباید در بزنگاه

تنها دو روز پس از بازی گمبل، ترکیه میزبان مذاکراتی در استانبول بود. روسی با حضور در باشگاه چلسی در لندن، مشخص شد که مورد هدف مسمومیت مشکوک قرار گرفته است. مقامات ترکیه به من می‌گویند که آبراموویچ به دور از اینکه موضوع تحقیق باشد، نقشی تعیین کننده بی‌طرفی، وضعیت دونباس و



تغییر احتمالی مرزهای اوکراین نشان می‌دهد که پوتین دست خالی از این سرمایه‌گذاری باز نخواهد گشت. اگر کی یف به فساد تقاضای بین‌المللی، توافق مینسک که توسط رئیس جمهور قبلی اوکراین امضا شده بود، احترام می‌گذاشت، اوکراین چقدر بهتر بود؟ تنها کاری که باید انجام می‌داد این بود که دونباس را به عنوان یک منطقه خودمختار به رسمیت بشناسد. اکنون باید استقلال دریاى ترکیه توسط ناسیونالیست‌های اوکراینی و روسی دامن زده شده است و پیامدهای فاجعه‌باری برای اوکراینی‌ها و روس‌ها به همراه داشته است. اما نه واشنگتن و نه هیچ یک از پایتخت‌های اروپایی در موقعیتی نیستند که ناسیونالیسم روسی در کرملین را متقاعد کنند که پایین بیاید - زیرا لندن، پاریس، برلین و ورشو به اندازه مسکو و کی‌یف در این منازعه، درگیر هستند. این همهات روسیه

نیست که در طول جنگ‌هایی که پس از فروپاشی یوگسلاوی شروع شد، رخ داد، زمانی که آنها هنوز قدرت روسیه توسط تونی بلر، نخست‌وزیر وقت مورد تمجید قرار گرفت و آن را به عنوان حافظ صلح در همان عرصه‌ای که بیش از همه به آنها نیاز است، رها کرده‌اند.

امریکا و اروپا، حق مذاکره از دست رفته

این است دموکراسی و آنچه حاکمیت در برابر استبداد و امپراتوری خوانده می‌شود؛ به تعبیر گراهام، افراد خوب در مقابل بدها. اینها خیالات یک امپراتوری غربی در حال زوال است و این رویکرد پایانی بر این درگیری‌ها نیست و این سناریو باید به ۳۰ سال قبل برگردید، زمانی که درگیری‌های اوکراین در کجا متوقف خواهد شد؟ آیا روسیه به دونباس و ماریپول قانع خواهد شد و یا به کشورهای دیگر سرایت خواهد کرد؟ آیا اوکراین با هزینه هنگفتی که محتمل شده است ورود خود به اتحادیه اروپا را تضمین خواهد کرد؟ در مورد گولوه باران بلوک‌های برج‌ها در خاریف و کی یف توسط روسیه فریاد می‌زند و فریاد می‌زند، اما وقتی جت‌های اسرائیلی همین کار را با برج‌های غزه انجام می‌دهند، سکوت تلخی را در پیش می‌گیرند. در ایالات متحده، فاکس نیوز به‌طور جدی کمپین را راه‌اندازی کرده است که نشان می‌دهد

ایالات متحده در حال روبه‌رو شدن با بحران غذا است؛ در حقیقت ایالات متحده آمریکا دیگر متحد نیست. این کشور به‌طور شدیدی بسیار فراتر از محدودیت‌های معمول گفتمان سیاسی قطبی شده است. در اروپا، جناح‌های راست پوپولیست به عنوان یک نیرو در حال ظهور است. در ایالتی، یک حزب پوپولیست راست افراطی اروپا می‌تواند امتیاز قابل توجهی در انتخابات بعدی کسب کند. در فرانسه، انتظار می‌رود که امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در قدرت بماند، اما مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری رقابتی تا انتهای سیاست‌های راست افراطی بوده است و نامزدها بر سر اینکه چه کسی می‌تواند ضد مسلمان‌تر ظاهر شود، دعوا می‌کنند.

بحران پیش‌رو

آیا این همه تصادفی است؟ در هر کشوری، چپ در حال تضعیف است و نمی‌خواهد یا قادر به دفاع از حقوق کارگران، دستمزدهای عادلانه و حمایت‌های اجتماعی نیست و در هر کدام، جناح راست پوپولیست در حرکت است و قادر به ایجاد پیوندهای معتبر بین‌المللی است. درست در زمانی که غرب خود را تنها پرچمدار دموکراسی و لیبرالیسم تصور می‌کند، لیبرالیسم در داخل کشور در حال غوطه‌ور شدن است و همه اینها قبل از آن است که اروپا غربی ضربه تحریم‌های فلج کننده را که علیه روسیه اعمال کرده است، احساس کند. اگر پوتین فردا تصمیم بگیرد گازی را که از طریق اوکراین به اروپا می‌رود قطع کند، به این بهانه که آن طور که می‌خواهد به روبل

این است دموکراسی و آنچه حاکمیت در برابر استبداد و امپراتوری خوانده می‌شود؛ به تعبیر گراهام، افراد خوب در مقابل بدها. اینها خیالات یک امپراتوری غربی در حال زوال است و این رویکرد پایانی بر این درگیری‌ها نیست و این سناریو باید به ۳۰ سال قبل برگردید، زمانی که درگیری‌هایی مانند این در سراسر قلمرو شوروی سابق در حال وقوع بود. امروز به میدان‌های جنگ دهه ۱۹۹۰ نگاه کنید؛ قره‌باغ کوهستانی، گرجستان... مسائل اصلی و به ابهامات روسیه پاسخ داده نشده است

پرداخت نمی‌شود، بحران به وجود می‌آید. بحرانی که اروپایی‌ها بیش از آمریکایی‌ها ضرر خواهند کرد. ایالات متحده گفته است که تلاش خواهد کرد تا ۱۵ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی مابعد را در سال جاری به اتحادیه اروپا اضافه کند که می‌تواند با تغییر مسیر محموله‌های LNG از کشورهای دیگر محقق شود. ایالات متحده به سادگی گفت که با «شرکای بین‌المللی» کار خواهد کرد، بدون اینکه مشخص کند LNG اضافی از کجا تأمین می‌شود. اما حتی این یک دهم از ۱۵۵ میلیارد مترمکعب گازی است که روسیه به اتحادیه اروپا صادر می‌کند، نخواهد بود. قرار گرفتن اروپا و ایالات متحده در معرض تورم و رکود در مقایسه با مصر یا در واقع ترکیه مسأله‌ای نیست که مردم این کشورها بتوانند آن را تحمل کنند. در کشورهای مصر و ترکیه پدیده تورم همواره بوده و در طول روزها و ماه‌ها قیمت‌ها تغییر می‌کند، اما آیا ملت‌های غربی توانایی تحمل چنین